

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

رحمدل - جرمنی

۲۷ سپتمبر ۲۰۱۵

به سلسله استادان ادب دری

چنانچه از اسم من معلوم است من رحمدل بوده و در قضایا دلسوزانه برخورد می نمایم و تا جایی که در توانم باشد از حق و عدالت دفاع خواهم کرد.

طوری که هموطنان برون مرزی ام اطلاع دارند اخیراً دو ستاره درخشان در آسمان شعر و ادب دری یعنی زبان مادری همه ما چنان تابناک درخشید که چشم و هوش همه را روشن و منور گردانید. جریان طوری آمد که یکی از استادان سابق پوهنتون کابل با فهم، دانش و نبوغی که دارند ملاحظه فرمودند که پیکر نفیس شعر و ادب دری در حاشیه پرتگاه عظیمی قرار دارد و اگر دست کمک دراز نگردد و نجات داده نشود، ادب و زبان دری محو و منحل خواهد شد. جناب شان با عزم متین و همت والائی که دارند دو ستاره درخشان را مد نظر گرفتند و در صدد معرفی ایشان به عموم گردیدند و برای این که درین امر خطیر دچار مشکل نگردند این دو ستاره را از جنس نفیس انتخاب کردند. مشروعیت و حق انتخاب خود شان واضح بود مدتی استاد پوهنتون بودند و حق داشتند چنین القابی را به هرکسی که بخواهند اعطا نمایند. و برای این که عظمت و لیاقت ستاره ها را نیز به اثبات برسانند، اشعاری از هردو را مطابق به قوانین بدیع و بیان نقد کردند و به رخ همه کشیدند. آیا دلیل و برهانی به لیاقت، عظمت و بزرگی اشخاص ازین بالاتر وجود دارد که استادی از استادان پوهنتون آن را تأیید و صحه گذارد؟ تا اینجا امر بر وفق مراد است اما تأیید چند نفر دیگری از ادباء و فضلاء نیز ضروری پنداشته می شود. تکنالوژی عصری تمام مشکل را حل می سازد. تیلیفون ایمیل، خواهش و تقاضا، ترتیب لستی از آنانی که از خود رای و اراده آزاد و مستقل ندارند در حدود ۱۶ الی ۲۰ نفر که حاضر شدند خواهش و تقاضای استاد را قبول نمایند از همه جهت زمینه مساعد گردید.

سفیر کبیر افغانستان در هالند که البته در دعوت هر هموطنش حاضر می شود حاضر گردید و تعداد کثیر دیگری هم به اثر دعوت حاضر گردیدند. خورد و نوش صورت گرفت موسیقی شنیده شد و عکس ها منتشر گردید اما در نتیجه اعطای این لقب به قیمت عزت و حیثیت جناب هاشمیان تمام شد و آن بیچاره از طرف اشخاص خبیر و دانا آنقدر بی آب و بی حیثیت گردید که هیچ کس در تمام عمر خود به این بی آبی مواجه نشده است.

اکنون یکی از حاضران آن مجلس علیا و زیبا و جهان شمول به اسم مبارک زلمی رزمی که گویا تازه از بزم پرچم نوازی و عبودیت دولت استعماری به "رزم" رویاروی با دشمنان جهانی از قماش هاشمیان پای به میدان گذاشته است، جملاتی نثار بعضی ها کرده است که خلاصه اش این است: (انا لله و انا الیه راجعون : اخیراً به دوتن از شاعران هموطن ما در غربت آباد از جانب سفیر افغانستان و هاشمیان سابق استاد پوهنتون کابل در حضور جمعی از فرهنگیان لقب استادی دری اعطاشد. از طرف عده ای به نیکوئی استقبال شد. عده ای دیگر مثل روز مولود نه خوش بودند و نه

خفه . عده ای هم خون حسادت شان آنقدر بجوش و خروش آمد که از فرط غضب مردند ، کفیدند و هشتاد پله شدند . خداوند درجه شهادت را نصیب این هموطنان باغیرت و قهاروک ما بگرداند. آمین یا رب العالمین . خوشا به سعادت شان مرگ آخر شان باشد.)

جناب رزمی صاحب ازین امر آنقدر به خود میبالد که یک عده را می گوید از فرط غضب و حسادت مردند و کفیدند و هشتاد پله شدند و فاتحه شان را هم می خواند. یعنی این که به جز کسانی که به گفته هاشمیان تسلیم شده اند و از خود عزم و اراده نداشته اند دیگر هیچ کسی حق زنده ماندن ندارد.

رزمی صاحب محترم از شما جداً خواهش می کنم که لست همان اشخاص حسود را به من بفرست. تا سر تعظیم به حضور شان خم کنم و دست های هرکدام شان را ببوسم و به چشمان خود بمالم زیرا آنان کسانی اند که همه چیز را می فهمند، دارای اراده ثابت و مستقل اند، به زیرحرف و خواهش کسی دیگر نمی روند، عاقل و با وجدان اند. آنها حسود نیستند صرف از حق دیگر خواهر های تان دفاع می کنند. از حق آن شاعر خانمهایی که به مراتب شعر و لیاقت شان ازین دو بیشتر و بهتر است.

شما از ادب و ادبیات دری به یقین که تا کنون چیزی ندانسته اید و بهره ای نبرده اید اگر می دانستید به یک شاخه ادب که شعر است متوسل نمی شدید، حال آن که به همین شعر هم که متوصل شده اید از آن اشعاری نیست که نسبت به دیگران بهتر و بالاتر باشد. به شاعران متقدم و متأخر نظر کنید، هیچ کدام خود را "استاد ادب دری" نخوانده اند و نه دیگران کسی را چنین لقبی داده اند. بازی مضحکی به راه انداخته اید که شعر و شاعران از آن شرم دارند و خواهش اخیرم از شما همین است که کمی بشرمید نه این دوخاتم و نه هاشمیان را ازین بیش مفتضح و رسوا نسازید.